

نظارت و کنترل در مدیریت اسلامی

دکتر لطف‌الله فروزنده*

از دیگر وظایف مدیریت «نظارت و کنترل» است، بر اساس مطالعات نظارت دقیق و درست باعث تحقق اهداف سازمان و جلوگیری از انحراف خواهد شد. نظارت‌های سازمانی به درونی و بیرونی تقسیم‌بندی می‌شود. نظارت درونی فرد را به نوعی خودکنترلی می‌رساند. در مدیریت اسلامی اصل بر نظارت درونی است. صفت «تقوی» با پشتوانه باورهای اعتقادی بزرگ‌ترین اهرم خودکنترلی است. نظارت در نظام ارزشی اسلام همه‌جانبه و سمپاتیک است. علاوه بر این که فرد وظیفه خودنظارتی دارد، نظام هستی‌طوری تبیین شده که فرد از ابعاد مختلف براساس اعتقادات و باور خود مورد نظارت قرار می‌گیرد، بر طبق اصولی مانند: اصل حضور و شهود در محضر الهی، امر به معروف و نهی از منکر، نظم، رعایت حسن اخلاق، اصل پیکری چارچوب این نظارت را تشکیل می‌دهد. نظارت الهی که نظارتی کامل - دقیق و مداوم است، وجود دو فرشته رقیب و عتید برای ثبت و ضبط اعمال، نظارت پیامبران، ائمه و مؤمنان، نظارت اعضا و جوارح بدن، نظارت زمان و مکان براساس مستندات آیات قرآن و احادیث عوامل مؤثر در ایجاد باور و فضای خودکنترلی برای فرد مؤمن است. مؤمن در نظام مدیریت اسلامی با پشتوانه قوی اعتقادی که براساس استدلالی حاصل شده با انجام رفتارهایی مانند مشارطه و پیمان‌گیری، مراقبه، حسابرسی اعمال خودکنترلی را در خود تقویت می‌کند، خودکنترلی در رفتار فردی در قالب مصادیقی مانند اطاعت الهی، خضوع و فروتنی، آرامش و اطمینان توجه به بندگان خدا و روحیه تلاش و کوشش تجلی می‌یابد. در این مقاله مفاهیم خودنظارتی و جایگاه خودنظارتی در آیات قرآن و احادیث، روش‌های خودکنترلی و آثار خودکنترلی بحث و بررسی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: نظارت و کنترل، خودنظارتی، نظارت بیرونی، نظارت درونی

مقدمه

نظارت و کنترل یکی از وظایف و اجزای اصلی مدیریت محسوب می‌شود، به طوری که بدون

* عضو هیئت علمی دانشگاه پیام‌نور.

توجه به این امر، سایر اجزای مدیریت مانند برنامه‌ریزی، سازماندهی و هدایت نیز ناقص بوده و تضمینی برای انجام درست آن‌ها وجود ندارد. زمانی که برنامه‌ای تهیه می‌شود اجرای آن نیاز به سازماندهی، رهبری و هدایت دارد، انتظار داریم در اثر اجرای برنامه، اهداف محقق شود. گاهی ممکن است حتی جزئیات برنامه به صورت دقیق اجرا شود، اما جهت‌گیری کلی در اجرای برنامه انحراف داشته باشد و ما را از هدف دور کند. اطمینان از این‌که اجرای برنامه و هدایت آن درست صورت می‌گیرد و در صورت مشاهده انحراف، اقدام لازم برای تصحیح آن به عمل می‌آید، نیازمند فرایندی است که آن را نظارت و کنترل می‌نامند.^۱

تعریف نظارت

نظارت و کنترل عبارت است از: «ارزیابی تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ها از زمان اجرای آن‌ها و اقدامات لازم برای جلوگیری از انحراف عملیات نسبت به هدف‌های برنامه و اصلاح انحرافات احتمالی به وجود آمده»^۲، در واقع باید گفت: ارزشیابی - شامل ارزشیابی تصمیم، مسیر حرکت و برنامه و هدف جزئی نظارت و کنترل - به حساب می‌آید.

کنترل دارای دو محور است: یکی نظارت بر نتیجه کار و دیگری ارزیابی کارهای انجام گرفته و در صورت نیاز، اصلاح آن‌ها.

مراحل نظارت و کنترل

مراحل نظارت و کنترل عبارتند از:

۱. تعیین معیارهای عملکرد: یعنی با توجه به هدف‌های برنامه و پیش‌بینی‌هایی که در مورد برنامه داشته‌اند، معیارهای مناسبی انتخاب کنند.
۲. اندازه‌گیری عملکرد انجام شده و در حال انجام: (در این مرحله برنامه‌ها و کارهایی که نتیجه آن‌ها بیش‌ترین اهمیت را دارد، کنترل می‌کنند یا برنامه‌های در حال انجام را - که می‌دانند بسیار مهم‌اند - کنترل و نظارت می‌کنند، زیرا نمی‌توان همه عملکردها و برنامه‌ها را اندازه‌گیری کرد).
۳. مقایسه نتایج واقعی با معیارها و هدف‌ها: در این مرحله نیز نتیجه واقعی را باید با

۱. علی رضائیان، «اصول مدیریت»، انتشارات سمت، ۱۳۶۴، ص ۱۲۰.

۲. عبدالله جاسبی، «درآمدی بر مدیریت اسلامی»، ۱۳۷۸، ص ۱۷۱.

هدفها و نتایج پیش‌بینی شده مقایسه کرد که این مقایسه باید قابل درک باشد تا به راحتی بتوان تصمیم گرفت.

۴. انجام اقدامات اصلاحی: در این مرحله بعد از مقایسه اگر تفاوت وجود داشت باید دست به کار شده و اصلاحاتی صورت گیرد تا انحرافات از بین برود.

اهمیت نظارت و کنترل از نظر اسلام

در اسلام درباره ارزشیابی و حسابرسی و ... که در حقیقت برای بیان نظارت و کنترل مورد استفاده قرار می‌گیرد، بحث‌های زیادی شده است. برای مثال:

۱. امام موسی کاظم (ع) می‌فرمایند: «از ما نیست کسی که هر روز به حساب خود نپردازد و اگر نیکی انجام داده است از خداوند فزونی آن را خواهد و خدا را برای آن سپاس گوید و اگر کار زشتی را مرتکب شده است از خداوند آمرزش آن را خواهد و توبه نماید»^۱.

۲. در نهج‌البلاغه آمده است: نفس خویش را دیده‌بانی کنید.

۳. یا در قرآن کریم آمده است: «و بر آنچه آشکار و پنهان دارید آگاهم»^۲.

فرمود: «ای آدم، ایشان را از اسامی آنان خبر ده»؛ و چون آدم ایشان را از اسماءشان خبر داد، فرمود: «آیا به شما نگفتم که من نهان آسمان‌ها و زمین را می‌دانم، و آنچه را آشکار می‌کنید، و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم؟»^۳

اصول بنیادی حاکم بر نظارت و کنترل از دیدگاه اسلام

نظارت در نظام ارزشی اسلام نظام‌مند و همه‌جانبه است. علاوه بر این که فرد وظیفه دارد به صورت خودکنترل، وظایف و تکالیف را انجام دهد، نظام هستی به شکلی است که فرد از ابعاد مختلف و براساس اعتقادات و باور خود، مورد نظارت قرار می‌گیرد، بعضی اصولی که این نظارت همه‌جانبه را تشکیل می‌دهد عبارتند از:^۴

۱. علامه مجلسی «بحارالانوار»، انتشارات دارالکتاب، ج ۷، ص ۷۲.

۲. سوره بقره، آیه ۳۳.

۳. همان.

۴. دکتر علی احمدی، دکتر کاظمی، مولایی، «نقش ارزش‌های اسلامی در فرایند نظارت و کنترل، تولید دانش».

سال ۱۳۸۳، ص ۵.

۱. اصل حضور و شهود

براساس این اصل انسان در محضر خداست و او بر تمام اعمال و رفتار و نیات افراد نظارت کامل دارد. فرد مسلمان معتقد است خداوند آگاه و علیم در همه جا حضور دارد و از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است. از این‌رو کسانی که به یقین این اصل را درک کرده‌اند در خلوت خویش نیز بر اعمال خود کنترل دارند و رضای خداوند و خشنودی او را هدف تمام امور خود دانسته و سعی می‌کنند مرتکب گناه و خطایی نشوند. خداوند عادل است و هر ذره‌ای از خوبی و بدی را در حساب اعمال افراد منظور می‌کند. این اصل باعث می‌شود فرد همیشه حدیث نفس کرده و با اصول اضافی از طریق تذکر، محاسبه، مراقبه، رفتار خود را با توجه به اوامر الهی تنظیم کند، نتیجه این حرکت خودخواهی، تکبر و صفات نامطلوب در فرد را به حداقل رسانده و او را به فردی با وجدان و انضباط اجتماعی تبدیل می‌کند.

۲. اصل امر به معروف و نهی از منکر

قرآن کریم بر این اصل تأکید دارد. در سوره توبه آیه ۷۱ آمده است:

«والمؤمنون و المؤمنات بعضهم اولیا بعض یأمرون بالمعروف و ینهون عن المنکر»

مردان مؤمن و زنان دوستان یکدیگرند. به نیکی فرمان می‌دهند و از کارهای

ناشایست باز می‌دارند.

معمولاً فقها چهار شرط را برای امر به معروف و نهی از منکر ذکر کرده‌اند:

۱. علم و معرفت

۲. احتمال تأثیر

۳. نبودن ضرر

۴. ادامه و اصرار متخلف یعنی آن کس که معروف را ترک کرده و اصرار بر گناه دارد.

اولین شرط علم و معرفت، وقتی انسان قصد امر به معروف و نهی از منکر دارد، باید اول معروف و منکر را خوب بشناسد، (برداشت شخصی ملاک نیست) پس مهم است فرد مصداق معروف و منکر را درست بشناسد تا بتواند امر به معروف و نهی از منکر کند. دومین شرط احتمال تأثیر است، این که فرد خاطی آن قدر عاصی و خاطی نباشد که احتمال اثر در او وجود نداشته باشد. البته امر به معروف و نهی از منکر مراتب دارد، «مرتبه قلب، زبان و

دست» طبیعی است انسان باید در قلب و در عمل ابراز نفرت و تنفر کند و این را به شکلی به فرد خاطی نشان دهد. در مرتبه دوم با دلیل و منطق و تدبیر، امر به معروف زبانی کند، بی‌شک اگر براساس استدلال و از سر دوستی و خیرخواهی فرد با زبان توصیه شود، احتمال اثر آن افزایش می‌یابد. دست و اقدام مرتبه دیگر است. انسان با عمل و رفتار می‌تواند افراد را به خوبی تشویق و از بدی دور کند.

بنابر این وظیفه‌ای است که از سر خیرخواهی تک‌تک افراد سازمان نسبت به یکدیگر دارند، البته ایجاد شرایط اعتماد، دوستی متقابل بستر اجرای این اصل را بهتر فراهم خواهد کرد. اجرای درست این اصل همدلی و اعتماد، خیرخواهی، روحیه برادری و کار تیمی را در سازمان تقویت می‌کند. مشارکت و مشورت و کمک به یکدیگر به اوج می‌رسد. این وظیفه نه تنها در رابطه با افراد سازمان، بلکه نسبت به همه ذی‌نفعان جاری و ساری است، از این‌رو جامعه اسلامی، جامعه برتر خواهد بود؛ زیرا افراد از سر خیرخواهی، خوبی‌ها را ترویج و بدی‌ها را کاهش خواهند داد و این معنای واقعی یک جامعه انسانی و اسلامی خواهد بود.

۳. اصل نظم

نظم یکی از اصول انکارناپذیر هر فعالیت و تلاشی است، اصولاً مدیریت بدون نظم غیرممکن است، زیربنای یک حرکت اصولی و منطقی نظم است، حضرت علی (ع) فرمودند: «اوصیکم بالتقوی اله و نظم امرکم»^۱ تقوی که نوعی خودکنترلی است با نظم همراه است. تقوی بدون نظم محقق نخواهد شد، کنترل نیز نیاز به نظم دارد، اصولاً پیگیری اهداف در فرایند انجام و شناخت نقاط قوت و ضعف و انجام اصلاحی، ماهیت نظارت و کنترل دارد. از این‌رو در سایه نظم، کنترل نهادینه شده و اهداف محقق خواهد شد. در سیره پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) و ائمه اطهار نظم نقش اساسی داشته، در احوالات حضرت امام خمینی (ره) گفته شده، آن‌قدر حضرتش منظم بودند که اهالی خانه از اقدامات امام متوجه ساعت می‌شدند، برنامه ایشان دقیقاً زمانبندی مشخص و منظمی داشت.

در سازمان نیز هر برنامه و طراحی در اثر یک توالی مراحل و زمان روشن به سرانجام خواهد رسید. نظم باعث می‌شود مسیر انجام کار مشخص، وظایف و مسئولیت کارکنان روشن، قوانین و مقررات شفاف و واضح و فرایند انجام کار قابل بررسی و کنترل باشد.

۴. اصل رعایت حسن اخلاق

رعایت اخلاق و صفات اخلاقی مانند صداقت، انصاف، حقیقت‌جویی و واقع‌بینی باعث اجرای دقیق قوانین و نظارت کامل شود.

در اسلام ضمانت اجرای قوانین، ایمان به خدا و اخلاق حسنه است، هر قدر اخلاق حسنه در فرد بیش‌تر باشد، به‌صورت خودکنترل قوانین الهی را پذیرفته و اجرا می‌کند. دین اسلام تأکید دارد فرد - از نظر اخلاقی - به آن حد از رشد و بلوغ فکری برسد که خود مباحث اخلاقی را به‌صورت درونی رعایت کند. رعایت اصول اخلاقی در فرایند کنترل و نظارت، اعتماد و اطمینان متقابل را به‌وجود آورده و در سازمان بستر کنترل روان فراهم می‌کند.

۵. اصل عدالت در کنترل

عدالت از ارکان و آرمان‌های مهم زندگی بشر است، جامعه اسلامی براساس عدالت کامل و رسیدن به آن در حکومت مهدی موعود (عج) طراحی شده و به اجرا درآمده است، قرآن کریم می‌فرماید: «ما پیامبران را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و میزان را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند» و افراد در برخورد با یکدیگر باید عدالت را رعایت کنند، مدیران، بازرسان و همه کسانی که در سازمان نقش نظارت و کنترل را بر عهده دارند باید براساس عدالت، قضاوت و گزارش دهند.

عدالت باعث می‌شود میزان تشویق و تنبیه روشن باشد، افراد معیارها را شناخته و بر احساس امنیت شغلی کامل تلاش کنند، نظارت همراه با عدالت، سازنده و بالنده و سازمان را به سمت شایسته‌سالاری و تعهد متقابل سوق خواهد داد. وقتی افراد نسبت به حقوق و سایر پاداش‌ها احساس عدالت کنند، انگیزه‌های آن‌ها مضاعف شده و تلاش می‌کنند روز به روز عملکرد خود را اصلاح کرده و از بازرسی و نظارتی که عادلانه باشد استقبال می‌کنند.

۶. اصل تعریف معیار، استاندارد و ضابطه برای کنترل

کنترل و نظارت در نظام اسلامی براساس ضابطه و قوانین الهی است، خداوند کریم در همه زمینه‌ها، قوانین و مقررات را وضع کرده و بر اساس آن رفتار و عملکرد افراد را ارزیابی و پاداش و کیفر می‌دهد. این یک اصل کلی نظام الهی است، در سازمان نیز کنترل باید براساس معیار و قوانین الهی باشد تا منیت و رفتار شخصی ملاک قضاوت و کنترل قرار نگیرد.

وقتی فرد قوانین سازمان را در راستای قوانین الهی دانسته با جان و دل پیروی می‌کند

و نوعی خودکنترلی در نظام ایجاد می‌شود، در جامعه اسلامی رابطه افراد مسلمان و ولی فقیه بر همین مبنا تعریف شده، افراد فرمان ولی فقیه را، فرمان الهی می‌دانند، از این‌رو خود را موظف به اطاعت دانسته، بر این اساس خودکنترلی در سازمان شکل می‌گیرد. افراد بر این باورند که اطاعت از دستورات اسلامی و قرآنی سعادت دنیا و آخرت را به همراه دارد، بنابراین فرد مسیر پیشرفت و تکامل خود را در این اطاعت می‌داند، و با تمام توان تلاش می‌کند این مسیر الهی را بپیماید.

۷. اصل هوشیاری و زیرکی دریافت و ارزیابی اطلاعات

از آن‌جا که اطلاعات، مبنای ارزیابی و قضاوت افراد قرار می‌گیرد. رعایت هوشیاری و دقت در جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و منابع اطلاعات بسیار مهم است. حضرت امیر (ع) به مالک اشتر فرمود:

«سپس رفتار کارگزاران را بررسی کن و جاسوسانی راستگو و وفادار بر آنان بگمار که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانتداری و مهربانی با رعیت خواهد بود»^۱. مدیران براساس گزارش‌ها و نتایجی که از کار به‌دست می‌آورند، قضاوت کرده و سیستم را کنترل می‌کنند، این‌که اطلاعات دقیق، صحیح، بهنگام و درست باشد، مبنای اصلی تصمیم‌گیری مدیران خواهد بود. تا هنگامی که سازمان از راه‌های صحیح، معقول، همه‌جانبه، دقیق، امور و عملکرد افراد را بررسی نکند نباید در اجرا یا کنترل آن عجله کند. پس با رعایت این اصل، گزارش‌ها براساس حقیقت، صداقت، عدالت و اطمینان تنظیم خواهد شد. عدم رعایت این اصل برای فرد حق‌الناس ایجاد خواهد کرد که در محضر الهی بدون بخشش فرد ذی‌حق، بخشیده نخواهد شد و همواره به‌عنوان دینی به عهده فرد است که باید روز رستاخیز پاسخگو باشد.

۸. اصل پیشگیری

هدف از کنترل، تحقق اهداف و اطمینان از درست بودن فرایند انجام کار و عملکرد افراد در سازمان است که این اقدام هزینه‌های اجتماعی و مالی را کاهش خواهد داد. باید تلاش کنیم تا تدبیر امور به‌گونه‌ای باشد تا قبل از اجرا، نارسایی‌های احتمالی که موجب عدم تحقق

۱. محمد دشتی، «نهج‌البلاغه»، ناشر مشرفین، ۱۳۷۹، ص ۵۷۹.

اهداف یا انحراف عملکرد است پیش‌بینی و پیشگیری شود. از آن جایی که اسلام، اصل را بر اصلاح امور گذاشته، تدبیر و توجه قبل از انجام کار بسیار مهم است، قرآن فرمود: «افلا يتدبرون القرآن و لو كان من عند غيرا... لوجدوا فيه اختلافاً كثيراً»^۱ پس چرا در قرآن تدبیر نمی‌کنند؟ و اگر این قرآن، از جانب غیر خدا می‌بود بی‌شک در آن، تضاد و ناهماهنگی فراوان دیده می‌شد. تدبیر حاوی دو نکته: «ژرف‌اندیشی» و «عاقبت‌نگری» است. حضرت علی (ع) درباره عاقبت‌اندیشی می‌فرماید:^۲ «هرکس دست به کاری زند بی‌آنکه در عواقب آن بیندیشد، خود را در مهلکه گرفتاری‌ها اندازد».

«اندیشیدن پیش از کار تو را از پشیمانی ایمن می‌دارد».

«دوراندیشی عاقبت‌نگری و رایزنی با خردمندان است».

«دوراندیش‌ترین شما با پارساترین شماست».

در بسیاری از آیات قرآن که موضوع نظارت و کنترل، همگانی است، این نظارت با عنوان امر به معروف و نهی از منکر مطرح شده است.

مرجع و دستگاه‌های نظارت‌کننده در حکومت اسلامی

در اسلام مراجعی بر مدیران و کارگزاران حکومت اسلامی نظارت دارند عبارتند از: خدا، امام، مردم و خود فرد.

خداوند قادر نظارت مطلق بر تمام اعمال افراد دارد. در جامعه اسلامی، اعتقاد به معاد و رسیدگی دقیق به اعمال انسان و بازخواست و سرزنش خود، بخشی از وجود انسان را تشکیل می‌دهد و نقش اساسی در جهت‌گیری‌های اعمال انسان و نحوه رفتار او دارد.

در آیه ۱۸ سوره ق آمده است: «ما یلفظ من قول الا لدیه رقیب عتید»

«سخنی جاری نمی‌شود، مگر این‌که رقیب و عتید (دو فرشته) مراقب و آماده هستند».

۱. سوره نساء، آیه ۸۴.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، «میزان‌الحکمه»، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۶۲، ص ۱۴۷.

مرجع دیگری که در جامعه اسلامی مسئولیت نظارت بر مدیران را برعهده دارد امام است. منظور از نظارت امام تنها نظارت مستقیم نیست؛ بلکه نظارت غیرمستقیم از طریق تمام دستگاه‌ها و وسایل و ... صورت می‌گیرد که مشروعیت خود را از مقام امام و ولایت فقیه می‌گیرند.

حضرت علی (ع) در نامه‌ای خطاب به فرماندهان سپاه خود می‌فرماید:

«و حق من بر شما پیروی و فرمانبرداری است و این که از فرمان من روی برنگردانید و در کاری که صلاح بدانم کوتاهی ننمایید، در سختی‌های راه حق فرو روید، پس اگر شما این‌ها را درباره من به جا نیاورید، هیچ کس خوارتر از کجروان شما در نزد من نیست. پس او را به کیفر بزرگ می‌رسانم و نزد من رخصت و رهایی برای او نیست»^۱.

پس همان‌طور که گفته شد امام حق نظارت و کنترل در مدیریت جامعه اسلامی را برعهده دارد که برای تحقق آن باید وسایل و دستگاه‌های لازمی را ایجاد کند.

مرجع دیگر که مسئولیت نظارت را در جامعه برعهده دارد توده‌های عظیم مردم هستند که در قرآن از آن‌ها به ناس تعبیر می‌شود. این نظارت همان نظارت عامه یا همگانی است که در قرآن با عنوان امر به معروف و نهی از منکر مورد بحث قرار گرفته شده است. همان‌گونه که در سوره حج، آمده است:

«مؤمنان کسانی هستند که اگر به ایشان در روی زمین تمکن و قدرت دهیم، نماز را برپا می‌دارند و زکات می‌دهند و به معروف امر می‌کنند و از منکر دیگران را باز می‌دارند».

مرجع دیگر نظارتی، خود فرد است که در اثر تقوی به حالت خودکنترلی می‌رسد و در بخش‌های بعد به صورت مشروح به آن خواهیم پرداخت.

انواع نظارت در جامعه

به‌طور کلی نظارت چهار نوع است: مستقیم، غیرمستقیم، همگانی و خودکنترلی. در مدیریت اسلامی نظارت می‌تواند مستقیم باشد؛ یعنی، مدیر که در رأس همه است، بر همه امور نظارت دارد و زمانی که برنامه‌ای در حال اجراست، در تمام مراحل اجرا حضور پیدا می‌کند. حضرت علی (ع) در آن فرمان تاریخی به مالک اشتر می‌فرماید: «بخشی از کارها به‌گونه‌ای است که خود باید انجام دهی، مانند: پاسخ دادن به کارگزاران دولتی، در آن جا که

منشیان تو از پاسخ دادن به آن‌ها درمانده‌اند و دیگر برآوردن نیاز مردم در همان روزی که به تو عرضه می‌دارند و یارانت در رفع نیاز آن ناتوانند»^۱.

با توجه به مطالب بالا درمی‌یابیم که مدیر فقط نباید خود را موظف به نظارت غیرمستقیم بداند یا در محیطی دور از افراد کار کند، بلکه نظارت مستقیم بخشی از وظایف او را شامل می‌شود. از طرفی وقتی نظارت مستقیم است، نمی‌توانیم نظارت دیگری را جایگزین کنیم، زیرا در نظارت مستقیم خود مدیر در صحنه است، ولی در نظارت‌های دیگر به‌عنوان مثال در نظارت غیرمستقیم، نظارت توسط مدیران و کارگزاران زیردست انجام می‌گیرد.

نظارت غیرمستقیم نظارتی است که به‌وسیله مدیران و کارگزاران زیردست، به صورت طبیعی و به‌وسیله بازرسان و فرستادگان به صورت خاص انجام می‌پذیرد.

وقتی مدیری نظارت غیرمستقیم دارد، بنابراین نمی‌تواند بر همه امور و حتی مؤسسات تابع، نظارت مستقیم داشته باشد؛ - یعنی، نمی‌تواند در تمام مراحل نظارت داشته باشد - ولی باید در مورد تمام مراحل و امور اطلاع داشته باشد. به همین دلیل این نظارت به‌وسیله افراد دیگر صورت می‌گیرد، آنگاه نتیجه را به مدیر گزارش می‌دهند تا اطلاع داشته باشد.

بنابراین مدیر، افراد صادق و مورد اعتماد را تعیین می‌کند که به صورت خاص نظارت بر کار سایرین داشته یعنی، مانند سایر کارمندان و کارگزاران در سازمان کار می‌کند، در عین حال نسبت به کار و نحوه انجام آن و عملکرد مدیران دقیقاً اطلاع داشته و به مدیر مافوق گزارش می‌کند.

سومین نوع نظارت، نظارت همگانی (امر به معروف و نهی از منکر) است.

در اسلام نظارت فقط در چارچوب حکومت و دولت نیست. نظارتی وجود دارد که شامل همه افراد می‌شود و آن نظارت همگانی است که با توجه به تکلیف شرعی افراد، مانند نماز و روزه یا حتی رفتار اجتماعی و غیره به‌وجود می‌آید. در واقع باید بگوییم تمام افراد جامعه موظف‌اند که براساس تکلیف شرعی (مثل نماز و روزه) بر امور اجتماعی و رفتار افراد، نظارت عمومی داشته باشند.

امر به معروف و نهی از منکر که نام دیگر نظارت عمومی است، درجات متفاوتی دارد. تفاوت درجات به دلیل این‌که فرد چگونه از انجام تکالیف شرعی سر باز می‌زند یا چگونه گناه می‌کند. این نظارت دارای اهمیت زیادی است و در قرآن آیات فراوانی در این‌باره آمده

است؛ از جمله در قرآن فرموده: «در میان شما مسلمانان باید امتی باشد که برخی خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و مردم را به نیکوکاری امر و از بدکاری نهی می‌کنند»^۱ یا این که «شما نیکوترین امتی هستید که برای آن قیام کردند که مردم را به نیکوکاری وادار کنند و از بدکاری بازدارند و ایمان به خدا آورند و اگر اهل کتاب همه ایمان می‌آوردند بر آنان در عالم چیزی بهتر از آن نبود».

در اصول کافی نیز اینچنین آمده است: «همه شما نگهبان و مسئول یکدیگر هستید»، بنابراین امام مسئول جامعه است و مردم مسئول خانواده و زن مسئول بر امور خانه و فرزندان است، پس همه شما بر منصب مدیریت، مسئول کسانی هستید که زیر نظر شما کار کنند.^۲ با این اوصاف نظارت همگانی یکی از مهم‌ترین شیوه‌های نظارتی در اسلام است.

روش اصلاح امور در فرایند کنترل

۱. سیره ارشادی با گفتار و کردار

در درجه اول اگر اشکال و ایرادی در افراد و عملکرد آن‌هاست، باید با سخنان ملایم و آرام و رفتار و کردار شایسته تذکر داده شود. قرآن کریم در سوره طه آیه ۴۴ می‌فرماید: «با نرمی با او سخن بگویند شاید متذکر شود و بترسد اگر ارشاد زبانی اعمال و رفتار فرد هماهنگ باشد تأثیرگذار است»، قرآن در سوره صف آیه ۲ و ۳ فرمود:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ».

ای کسانی که ایمان آوردید چرا می‌گویید آنچه را عمل نمی‌کنید؟
به هر حال تذکر باید از سر خیرخواهی، با قصد قربت با نرمی و دلسوزی و مهربانی بیان شود تا مؤثر باشد.

۲. تشویق افراد و وظیفه‌شناسی

یکی از روش‌های اصلاح تشویق افراد وظیفه‌شناس، صادق، درستکار و توانمند است، این روش باعث می‌شود، رفتارهای شایسته در سازمان نهادینه شده و افراد موفق الگو قرار گیرند.

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۰۴.

۲. کلینی، «اصول کافی»، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، ج ۲، ۱۳۷۹، ص ۲۰۸.

حضرت علی (ع) فرمود: پس آرزوهای ایشان را برآور و آن‌ها را به نیکویی یاد کن و کسانی را که به بلایی گرفتار آمده، رنجی برده‌اند همشان را به زبان آورد، زیرا یادکردن، نیکوکاران دلی را به هیجان درآورده و به جنبش وامی‌دارد و نشسته را به خواست خدای تعالی ترغیب می‌کند.

۳. تنبیه افراد خطاکار و بی‌توجه به وظایف

از دیگر اقداماتی که در مدیریت اسلامی برای اصلاح افراد و مجموعه مورد توجه قرار گرفته است، تنبیه و مجازات افراد خاطی است. البته در لغت تنبیه به معنای آگاهی دادن و حقیقت را روشن کردن است. تنبیه شکل‌های مختلفی دارد، تذکر شفاهی، اخطار کتبی تا برخورد شدید قضائی، به هر حال در تمام این روش‌ها حفظ حیثیت و آبرو فرد باید مورد توجه قرار گیرد.

حضرت علی (ع) فرمود: ^۱ «و خود را از یاران (خیانتکار) دوردار و اگر یکی از ایشان به خیانت و نادرستی دستش را بیالاید و خبرهای بازرسانت به خیانت او گردآید، به گواهی همان خبرها اکتفا کن، پس باید او را کیفر بدنی بدهی و او را به کردارش بگیری و بی‌مقدار و خوارش گردانی و به داغ خیانت بر او بزنی و ننگ تهمت و بدنامی را به گردنش بندی».

به هر حال برخورد با فردی که امور عمومی را ضایع کرده و بستر فساد در سازمان و جامعه را فراهم کرده از وظایف مدیر است. این برخورد عادلانه فضای متفاوتی را حاکم می‌کند به طوری که افراد خاطی از انجام خیانت پرهیز کرده و افراد مطمئن و سالم در سایه امنیت شغلی و فضای سالم تلاش و کوشش خواهند کرد.

در بعضی موارد افراد خاطی چهره «فرصت‌طلبی» خود را پنهان می‌کنند، معمولاً در طول تاریخ اسلام، فرصت‌طلبان، به مدیران دلسوز ضربه زده‌اند، در همین رابطه شهید مطهری (ره) می‌فرماید:

«رخنه و نفوذ افراد فرصت‌طلب در درون یک نهضت از آفت‌های بزرگ هر نهضت است. وظیفه بزرگ رهبران اصلی این است که راه نفوذ و رخنه این‌گونه افراد را سد کنند».

هر نهضت مادام که مراحل دشوار اولیه را می‌پیماید سنگینی‌اش بر دوش افراد مؤمن مخلص و فداکار است، اما همین‌که به بار نشست یا لاقط نشانه‌های باردادن آشکار و شکوفه‌های درخت هویدا شد، سروکله افراد فرصت‌طلب پیدا می‌شود.

در ادامه استاد مطهری می‌گوید: «فرصت طلبی تأثیر شوم خود را در تاریخ صدر اسلام نشان داد. نهضت را اصلاح طلب آغاز می‌کند نه فرصت طلب و همچنین آن را اصلاح طلب مؤمن به اهداف نهضت می‌تواند ادامه دهد نه فرصت طلب که در پی منافع خویش است. به هر حال مبارزه با رخنه و نفوذ فرصت طلبان علی‌رغم تظاهرات فریبنده‌شان یکی از شرایط اصلی حرکت یک نهضت در مسیر اصلی است».

خودکنترلی

در اسلام مهم‌ترین روش نظارت خودکنترلی است، خودکنترلی یعنی تقوی. در مکتب اسلام تقوی موقعیت بسیار ممتازی دارد، قرآن کریم، ملاک کرامت و ارزش انسان‌ها را در تقوا می‌داند و می‌فرماید:

«گرامی‌ترین شما نزد خدا پرهیزکارترین افراد می‌باشد».^۱

تقوا به‌عنوان بهترین توشه آخرت و بزرگ‌ترین وسیله سعادت معرفی شده است. در قرآن می‌فرماید: «برای آخرت خودتان توشه‌ای تهیه کنید و بهترین توشه تقواست».^۲

حضرت علی (ع) فرمود: «تقوا را از دست ندهید چون جامع همه خیرات و خوبی‌هاست و خیری جز تقوا وجود ندارد و خیراتی که به واسطه تقوا حاصل می‌شود در غیر آن یافت نمی‌شود، چه خیر دنیا و چه آخرت».^۳

در جایی دیگر حضرت علی (ع) فرمود: «همانا که تقوا داروی شفابخش بیماری قلب‌های شما و روشنگر کوری دل‌ها و شفابخش بیماری بدن‌ها و اصلاح‌کننده فساد سینه‌ها و پاک‌کننده آلودگی‌های نقش و جلادهنده پرده‌های دیدگان و آرامش‌بخش اضطراب‌های درونی و روشن‌کننده تاریکی‌های شما می‌باشد».^۴

تقوا باعث روشنی دل، بصیرت، قبول اعمال، اصلاح فساد، خروج از بحران می‌شود. تقوا عبارت است از: نیروی درونی و قدرت ضبط نفسانی که حالت تمرین و دریافت‌های مداوم برای نفس حاصل می‌شود و نفس را آن قدر نیرومند می‌کند که مطیع فرمان‌های الهی

۱. سوره حجرات، آیه ۱۳.

۲. سوره بقره، آیه ۱۹۷.

۳. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۳۸۶.

۴. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸.

خواهد بود.^۱

تقوا یعنی «خودنگهداری و کنترل نفس». تقوا صفت مثبت مصون کننده است، نه یک امر تحمیلی و برنامه منفی، تقوا یعنی تقید و تعهدات انسان به اطاعت از قوانین و دستورات شرع، هر ترک گناهی را تقوا نمی گویند، بلکه ملکه ترک گناه و نیروی کنترل و ضبط نفس را تقوا می دانند.

حضرت علی (ع) فرمود:

«ای بندگان خدا، شما را به تقوا سفارش می کنم؛ زیرا تقوا برای نفس به منزله افسار است که او را به سوی خوبی ها می کشد. پس به رشته های محکم تقوا تمسک جویند و به حقایق آن متوسل شوید تا شما را به منازل آسایش و رفاه و وطن های وسیع و پناهگاهی محفوظ و منزل های عزت برساند».^۲

تقوی در احادیث به عنوان ارزشی مثبت و نیرویی قدرتمند، بازدارنده و مصونیت دهنده و عامل قوی خودکنترل معرفی شده است. تقوا به انسان آزادی می دهد و انسان را از بند شهوات و خودخواهی نجات می دهد. تقوا محدودیت نیست؛ بلکه مالکیت و کنترل نفس است، به انسان عزت شرافت و قدرت و شخصیت پایدار می دهد.

قلب را از هجوم افکار شیطانی حفظ می کند و برای نزول فرشتگان الهی و تابش انوار قدسی آماده می گرداند و به اعصاب آرامش و اطمینان می بخشد. تقوا برای انسان به منزله خانه و جامعه است که از حوادث و سرما و گرما نگهداری می کند.

از آیات و احادیث استفاده می شود که تقوا به انسان بصیرت و بینش صحیح می دهد تا مصالح واقعی دنیا و آخرت خودش را تشخیص دهد و دنبال کند. خداوند حکیم در قرآن می فرماید: «ای اهل ایمان! اگر تقوا پیشه کنید خدا برای شما روشن بینی قرار می دهد».^۳

«با تقوا باشید تا علوم را به شما افافه کند و خدا به هر چیزی عالم است».^۴

حضرت علی (ع) فرمود: «همانا که تقوا داروی شفابخش بیماری های قلب شما و سبب

۱. آیت الله ابراهیم امینی، خودسازی و تزکیه نفس، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۷۰، ص ۱۱۳.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۵.

۳. سوره انفال، آیه ۲۹.

۴. سوره بقره، آیه ۲۸۲.

بینایی چشم دل‌های شما می‌باشد»^۱.

درست است که حکومت و اداره بدن به‌دست عقل سپرده شده و توان آن را هم دارد، لکن غرایز و تمایلات نفسانی از موانع بزرگ موفقیت او هستند.

اگر یکی از غرایز یا همه آن‌ها از حال اعتدال خارج شده، دست به طغیان زدند و به جوسازی و کارشکنی پرداختند، عقل چگونه می‌تواند در انجام وظیفه موفق باشد. چنین انسانی عقل دارد؛ اما هوی و هوس‌ها و شهوت‌ها و غضب‌ها مانند ابر تاریک یا مه غلیظی او را گرفته‌اند، نورش را خاموش ساخته‌اند و از درک واقعیت باز می‌دارند. آدم شهوت‌پرست چگونه می‌تواند مصالح واقعی خود را بشناسد و نیروی طغیانگر و تسلط یافته شهوت را مهار کند؟ همچنین سایر صفات زشت مانند، حسد، حرص، طمع و کینه‌توزی و تعصب و حب مال، لجبازی و خودخواهی را چگونه از خود دور کند؟

طغیان یکی از این عوامل، عقل را از درک واقعیت باز می‌دارد و با فشار و جوسازی محیط را بر عقل تاریک کرده و او را از انجام کار ناتوان می‌کند. بنابراین تقوا را می‌توان از بهترین و مؤثرترین عوامل بصیرت و روشن‌بینی و وظیفه‌شناسی شمرد.

این‌که گفته شد، تقوا موجب ازدیاد بصیرت است، در عقل عملی و تشخیص وظیفه و به اصطلاح شناخت بایدها و نبایدهاست، نه در عقل نظری و درک حقایق.

چنان نیست که آدم بی‌تقوا از درک مسائل ریاضی و طبیعی نیز ناتوان باشد. اگرچه تقوا در فهم و تیزهوشی نیز تا حدی مؤثر است.

یکی دیگر از آثار تقوا غلبه بر مشکلات و دشواری‌های زندگی است.

خداوند در قرآن می‌فرماید: «هرکس که تقوا را پیشه خود سازد خدا راه خروجی برایش

قرار می‌دهد و از آن راه که گمان نمی‌برد به وی روزی رساند».

باز می‌فرماید:

«هرکس که تقوا را پیشه سازد سختی‌ها از او دور می‌شوند، بعد از این‌که نزدیک

شده‌اند. تلخی‌ها برایش شیرین می‌گردند، امواج مشکلات متراکم، در برابرش شکافته و پراکنده می‌شود و امور دشوار و دردناک برایش آسان می‌شوند»^۲.

مشکلات در زندگی بشر دو نوع هستند. مشکلاتی که ناشی از حوادث و رویدادهای

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸.

۲. نهج‌البلاغه، خطبه ۱۹۸، ص ۲۳۲.

طبیعی که نقص عضو به وجود می‌آید و مشکلاتی که ناشی از تصمیم و اراده انسان است. بیش‌تر گرفتاری‌های فردی، اجتماعی، شخصی، روحی و جسمی و غیره ناشی از تصمیم و اراده انسان است.

تقوا در هر دو زمینه به انسان کمک می‌کند، درباره مشکلات نوع اول، یک انسان باتقوا و خودکنترل جهان و مشکلات جهان را گذرا و زندگی آخرت را اصیل و باقی می‌داند، در نتیجه جزع و فزع نمی‌کند، با صبر و شکیبایی با این نوع مشکلات برخورد می‌کند. انسان باتقوا با امید به لطف و رحمت خداوند ناامید و مأیوس نخواهد شد، با روحیه بالا با این مطالب برخورد می‌کند.

اما اگر گرفتاری‌ها و مشکلات فردی، سازمانی و اجتماعی ناشی از هوای نفس و خودخواهی باشد، اغلب گرفتاری‌ها عامل درونی ناشی از روحیات انسان است، امروز بشر گرفتار خودخواهی طمع و روحیه استکباری افراد انسان‌نماست.

در صحنه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، روحیه استکباری قدرت‌های بزرگ بشر را دچار دردسر می‌کند و مشکلات جنگ و خونریزی را فراهم کرده، در دنیای تجارت در فضای کسب‌وکار نیز این روحیه شیطنی است که مشکلات فراوانی ایجاد می‌کند.

افراد دنیاطلب چنان اسیر خواسته‌های نفسانی هستند که حتی از شناخت درون خویش هم عاجزند، بهترین و مؤثرترین چیزی که می‌تواند از وقوع این حوادث جلوگیری کند تقواست. فرد متقی از رفتار خود مراقبت می‌کند رفتار متعادل متناسب با احکام الهی دارد، از این‌رو با دل آرام و قلبی نورانی به حیات خویش ادامه می‌دهد و برای آخرت توشه برمی‌دارد. ممکن است افراد فکر کنند در اثر تقوا محدود می‌شوند، در حالی که تقوی مصونیت است، تقوا سبب آزادی و آسایش و عزت و بزرگواری انسان می‌شود. انسان بی‌تقوا اسیر شهوات نفسانی و خودخواهی است.

علی (ع) می‌فرماید: «تقوا کلید هدایت و استقامت و توشه آخرت می‌باشد. تقوا سبب آزادی از بندگی‌ها و وسیله نجات از هلاکت‌هاست». همچنین حضرت فرمود: «شرافتی بالاتر از اسلام نیست و عزتی عزیزتر از تقوا و پناهگاهی بهتر از ورع وجود ندارد».^۲ مجموع این احادیث نشان می‌دهد که تقوا کلید حل مشکلات و سبب عزت و آزادی

۱. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۳۰.

۲. همان، خطبه ۱۹۳.

انسان و نجات از گرفتاری‌ها و دشواری‌های زندگی و آزادی از بند شهوات نفسانی است. تقوا شخصیت انسان را احیا می‌کند، انسان را از شهوت، خودخواهی، غضب، انتقام‌جویی، کینه‌دوزی بی‌جهت، طمع و مال‌پرستی، مقام‌پرستی و ... نجات می‌دهد. تقوا شخصیت انسان و عقل او را تقویت می‌کند، غرایز را تعدیل می‌کند و بر طبق مصالح واقعی افراد را هدایت و رهبری کرده و از افراط و تفریط در کارها جلوگیری می‌کند.

افرادی که در برابر هوس‌ها و خواسته‌های نفسانی و غیرانسانی تسلیم محض باشند، از هیچ عمل زشتی پروا نکنند، دیوانه‌وار در تلاش و کوشش باشند و به ندای خیراندیش عقل و رهنمودهای پیامبران گوش ندهند، فردی اسیر و ذلیل و مطیع هوای نفس است. هوای نفس شخصیت انسانی و گوهر گران‌بهای عقلش را مغلوب و دریند انداخته است و برای آزادی او جز تقوا راه دیگری وجود ندارد.

تقوا و درمان محدودیت

صفات زشت و پلید نه تنها باعث بیماری روحی، بلکه باعث بیماری جسمی می‌شود. امروز در علم پزشکی مشخص شده ریشه بسیاری از بیماری‌های جسمانی، عوارض روحی است. روح و جسم در یکدیگر تأثیر داشته، و بیماری هرکدام بر دیگری اثر می‌گذارد. بسیاری از بیماری‌های روانی و ضعف اعصاب انسان از ناراحتی‌های روحی و روانی نشأت می‌گیرد. آرامش روح و اطمینان قلب باعث سلامت روح و در نهایت سلامت جسم می‌شود. حضرت علی (ع) فرمود: «تقوا درمان بیماری‌های اجسام شما و اصلاح‌کننده فساد قلوب شماست»^۱.

عوامل مؤثر در ایجاد فضای خودکنترلی

خداوند کریم، فضای خودکنترلی را برای انسان بیان کرده است، براساس اعتقادات هر فرد مسلمانی دستگاه‌های زیر بر نیت، رفتار و عملکرد افراد نظارت می‌کنند، این باور و اعتقاد انسان را به‌طور طبیعی به سوی خودکنترلی سوق می‌دهد و در حقیقت ضمانت اجرائی خودکنترلی خواهد بود. از نظر اسلام مهم‌ترین دستگاه‌هایی که در کار انسان نظارت می‌کنند عبارتند از:

۱. نظارت الهی

یکی از سنت‌های الهی، نظارت کامل، دقیق و مداوم و همه جانبه حضرت حق بر نیت، اعمال

۱. همان، خطبه ۱۹۸.

و کردار انسان است. خداوند کریم در قرآن فرمود:

«ای پیامبر بگو عمل کنید، خدا و رسول خدا و مؤمنان اعمال شما را می‌بینند و به زودی به سوی کسی باز می‌گردید که پنهان و آشکار را می‌داند و شما را به آنچه عمل می‌کردید، خبر می‌دهد»^۱.

خداوند کریم بر رفتار و کردار ناظر است، هر فرد مسلمان خود را در محضر خدا می‌داند و طبیعتاً اگر باور و یقین داشته باشد از انجام کارهای خطا دوری کرده و سعی می‌کند اوقات خود را با کارهایی که مورد رضایت حق تعالی است، پر کند. خداوند کریم علاوه بر نظارت کامل و همه‌جانبه سیستمی را نیز تعیین کرده که براساس آیات در روایات عبارت است از:

۱-۱. رقیب و عتید

براساس قول قرآن کریم که فرمود: «ما یلفظ من قول الالادیه رقیب عقید»^۲ انسان هیچ سخنی را بر زبان نمی‌آورد مگر این که همان دم فرشته‌ای مراقب و آماده به انجام مأموریت و ضبط آن است.

واضح است نظارت خداوند برای همه چیز و همه کس کافی است و ضرورتی به وجود ناظران دیگر احساس نمی‌شود؛ اما لطف خداوند و عدالت او ایجاب می‌کند که ناظر و شاهدان دیگری نیز برای نظارت بر کارهای انسان‌ها تعیین شوند.

۱-۲. پیامبران، امامان و مؤمنان

خداوند در روز قیامت بر امت خود گواهی خواهد داد. حضرت علی می‌فرماید: «و حق من بر شما پیروی و فرمانبرداری است» امام معصوم شاهد و حی و زنده است و بر کار ما نظارت می‌کند، این کلام بارها در زیارت معصوم آمده که آن‌ها زنده هستند و ما در محضر آن‌ها هستیم خدا کلام ما را می‌شنود و به آن پاسخ می‌دهد، خداوند در سوره نساء فرمود: «چگونه خواهد بود آن روز از هر امتی گواهی می‌آوریم و تو (پیامبر) را گواه بر این است (اسلام) قرار می‌دهیم»^۳.

۱. سوره توبه، آیه ۱۵۰.

۲. سوره ق، آیه ۱۸.

۳. سوره نساء، آیه ۴۱.

با این منطق یک فرد مسلمان حقیقی خود را علاوه بر محضر خدا در محضر رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) می‌داند. از این رو بستر خودکنترلی در او بیش‌تر فراهم می‌شود و سعی می‌کند با اطاعت اسباب خشنودی آن‌ها را فراهم کند. برای این اساس مردم با آن‌ها رابطه عاطفی برقرار کرده و از آن‌ها مدد می‌خواهد محبت مردم ایران به ائمه اطهار به‌ویژه امام حسین مدد گرفتن از او براساس همین منطق است، این منطق به قدری قوی است و آثار عملی درخشان داشته که امروز پیروان ادیان دیگر و آزادی‌خواهان نیز به امام علی (ع) و امام حسین (ع) عشق می‌ورزند و از او مدد می‌خواهند و پاسخ مثبت نیز می‌گیرند.

۳-۱. امام زمان (عج)

انتظار فرج حالت روحی است که موجب به‌وجود آمدن نشاط و آمادگی می‌شود برای آنچه انتظار دارند و ضد یأس و ناامیدی است، هرچه انتظار بیش‌تر باشد آمادگی نیز بیش‌تر است. در بعضی از احادیث «انتظار فرج» برترین کارها به شمار آمده است، و شاید به دلیل آن‌که پیروان حضرت مهدی (عج) خود را در محضر ایشان دانسته و بکوشند تا خود را به امامشان نزدیک کنند و مانند او بیندیشند در حالت انتظار، بهترین شیوه پیوند و همسویی و همدلی با امام نهفته است و غفلت از انتظار به معنای واقعی، باعث بی‌خبری و بی‌احساسی نسبت به آرمان بلند الهی است. در محضر امام بودن باعث بیداری اندیشه، آرمان خواهی - انگیزه فراوانی، نشاط و امید و زمینه آگاهی و هوشیاری و بیداری همیشگی است. این روحیه و ارتباط معنوی متقابل بین امام و امت، بستر خودکنترلی را در فرد ایجاد می‌کند، فرد سعی دارد در رفتار فردی، اجتماعی به الگو و مقتدای خود امام زمان (عج) نزدیک شده که این اوج خودکنترلی است.

۲. فرشتگان

علاوه بر نظارت خداوند، پیامبران و امامان (ع)، عده‌ای از فرشتگان نیز مأمور نظارت بر اعمال و رفتار و نیات انسان‌ها هستند، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ

معها سائق و تسعید»^۱.

در آن روز هر انسانی وارد صحنه محشر می‌شود. در حالی که فرشته‌ای با اوست که او را به سوی حساب سوق می‌دهد و شهادی از فرشتگان است که بر اعمال او شهادت می‌دهد.

۳. اعضای بدن انسان

همه اعضا و جوارح انسان بر اعمال او نظارت می‌کنند، در سوره نور خداوند می‌فرماید: «روزی که زبان و دست و پای آنان به آنچه انجام داده‌اند شهادت می‌دهند»^۲.

در سوره یاسین فرموده‌اند در آن روز، روز حساب زبان‌ها بسته می‌شود و هر یک از اعضا له یا علیه انسان شهادت می‌دهند. امام سجاد (ع) در رساله حقوق، حقوق تک‌تک اعضا و جوارح را فرموده‌اند، اگر انسان حق اعضا و جوارح که همانا به کارگیری در راستای عبادت الهی است، ایفا نکرده باشد، مسئول است و باید پاسخگو باشد، وقتی چنین باور و اعتقاد سراسر وجود انسان را تسخیر کند آیا خودکنترلی عمیق ایجاد خواهد شد.

۴. زمان و مکان

از مخلوقات الهی زمان و مکان است. حضرت علی (ع) فرمود: «هیچ روزی بر فرزند آدم نمی‌گذرد، مگر این که به او می‌گوید ای فرزند آدم، من روز تازه‌ای هستم و بر تو گواه هستم. در من سخن نیکو و خوب بگو و کار نیک انجام بده تا در قیامت به نفع تو گواه دهم».

درباره زمین قرآن کریم فرمود: «هنگامی زمین شدیداً به لرزه درآید و زمین بازوهای سنگینش را خارج سازد و انسان می‌گوید زمین را چه می‌شود در آن روز زمین تمام خبرهای خود را بازگو کند»^۳.

از این آیات استفاده می‌شود که زمین در روز قیامت اخبار خود را بازگو خواهد کرد و این یقیناً نوعی نظارت را نشان می‌دهد.

سرزمین‌های مقدسی مانند مکه، مدینه، کربلا، عتبات عالیه و مساجد محلی هستند که به صورت حضور و عبادت خدا به نفع انسان گواهی می‌دهند.

۱. سوره ق، آیه ۲۱.

۲. سوره نور، آیه ۲۴.

۳. سوره زلزال، آیات ۱-۵.

نظارت زمان و مکان نیز از عوامل بسترساز خودکنترلی خواهد بود.

۵. نفس لوامه

نفس ملامت‌گر یا وجدان اخلاقی که در درون انسان قرار دارد، در هر حال بر اعمال انسان نظارت می‌کند، هرگاه انسان خطایی می‌کند یا تعهدی را می‌شکند دچار عذاب وجدان می‌شود این همان نفس لوامه، سرزنش‌گر است.

بهترین قاضی برای انسان نفس لوامه اوست که مشخص می‌کند آیا انسان عادلانه و منصفانه برخورد می‌کند یا خیر، حضرت امیر (ع) فرمود:

«پسرم در آنچه بین تو و دیگری است خود را ترازو قرار ده، سپس برای دیگری بپسند آنچه برای خود می‌پسندی و نخواه برای دیگری آنچه را برای خود نمی‌خواهی و ستم مکن چنان‌که نمی‌خواهی به تو ستم شود و نیکی کن چنان‌که دوست داری به تو نیکی شود و زشت دان از خود آنچه را که از دیگری زشت پنداری و از مردم راضی و خشنود باش به آنچه تو خشنود می‌شوی برای آن‌ها از جانب خود»^۱.

هر قدر مدیر و کارکنان از این حس انصاف درونی برخوردار باشند، خودکنترلی رشد خواهد کرد و سازمان با هماهنگی و همدلی به سوی اهداف حرکت خواهد کرد.

هرچه کارکنان تقوای کم‌تر داشته باشند به نظارت بیش‌تری نیاز دارند، اگرچه در نهایت قصد خیانت داشته باشند، در فرایند انجام کار خیانت خواهند کرد. خداوند کریم خیروشر را به نفس لوامه الهام فرمود، کافی است انسان اسباب زنده و هوشیار بودن این گوهر با ارزش را فراهم کند. بر این اساس در فرهنگ اسلامی فرد باید هر روز به محاسبه کارهای خود بپردازد و اگر نیکی کرده افزون آن را از خدا بخواهد و از خدا سپاسگزاری کند و اگر کار زشتی مرتکب شد، از محضر خداوند آمرزش خواسته و توبه کند.

یاد مرگ و قیامت

زندگی، در اندیشه دینی، مزرعه آخرت و خاستگاه رسیدن به کمال اخروی است. گروهی به غلط دین را «زندگی ستیز» می‌دانند و گاهی به اشتباه «زندگی پرست» می‌شوند. دین نه زندگی ستیز است و نه زندگی پرست، بلکه دین، زندگی را بستر تکامل و

مقدمه آخرت می‌داند. زندگی موفق، زندگی‌ای است که توأم با رضایت و خرسندی باشد. اگر زندگی بستر تکامل است، رضایتمندی هم شرط موفقیت در زندگی است کسانی می‌توانند به تکامل بیندیشند که با زندگی خود، مشکل نداشته باشند، میان «مشکل داشتن در زندگی» با «مشکل نداشتن در زندگی» تفاوت وجود دارد. همه انسان‌ها در زندگی مشکل دارند، اما انسان موفق کسی است که با زندگی‌اش مشکل ندارد و این یعنی رضایتمندی از زندگی و برای آن باید حریم و برنامه داشت و مهارت خوب زندگی کردن را آموخت، دین و نگاه آخرت‌گرایی، آموزه‌های فراوانی را برای خوب زندگی کردن بیان کرده است.

شیوه‌های دین، آمیزه‌ای از شیوه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری است. هم به نیازهای مادی توجه دارد و هم به نیاز معنوی، هم بعد شناخت و عقلانیت را دربرمی‌گیرد و هم بعد عاطفه را و هم بعد رفتار را. از این جهت نظریه دین واقع‌گراست که به همه جنبه‌ها و نیازهای انسان توجه دارد و راه ارضا و پاسخگویی صحیح به همه آن‌ها را می‌داند و به انسان ارائه کرده است.

مهم‌ترین عامل موفقیت انسان را در قلمرو شناخت و اندیشه باید جستجو کرد، شناخت در رأس همه امور است. انسان، آن‌گونه که می‌اندیشد زندگی می‌کند با شناخت آخرت و دنیای پس از مرگ انسان نسبت به آن رغبت پیدا کرده و یک حالت خودکنترلی در او ایجاد می‌شود.

انسان معتقد به خدا دائم در عظمت و قدرت و توان خداوند تفکر می‌کند و همه چیز را از خدا می‌داند، در آیات الهی و پدیده‌های هستی تفکر می‌کند و دنیا را شناخته و خود را در نظام هماهنگ منسجم احساس می‌کند. با عبادت و تفکر و عمل صالح خود را برای جهان آخرت می‌سازد و از انحراف و کجی‌ها دوری می‌کند، تلاش می‌کند تمام اوقات خود را به عبادت خداوند - که همان خودسازی و خدمت به مردم است - بگذراند.

انسان متدین همیشه به یاد مرگ است، اگر انسان به فکر مرگ باشد و توجه کند که نه وقت مرگ معلوم است نه شرایط آن و هر لحظه و در هر شرایط امکان وقوع دارد، در آن صورت خودکنترل می‌شود. چنین تصور می‌کند که هر لحظه مرگش فرا خواهد رسید و به اعمال و حساب او رسیدگی می‌شود، خودش را در محضر خدا می‌داند و با خضوع و اخلاص فعالیت و تلاش می‌کند، از اعمال و رفتار خود مراقبت می‌کند. به هر حال یاد توحید و معاد بیش از هر عاملی روحیه خودکنترلی را در افراد ایجاد می‌کند.

روش‌های خودکنترلی فردی

کنترل و اراده نفس کار سهل و ساده‌ای نیست، بلکه نیاز به تدبیر و سیاست و بردباری و تلاش و جدیت دارد.

حضرت علی (ع) فرمود: با تداوم جهاد، نفس خودتان را تملک کنید و در اختیار بگیرید.^۱ از دیدگاه علما و فقهای دین حساب نفس را در سه مرحله باید انجام داد تا به تدریج خودکنترل شود:^۲

۱. مشارطه و پیمان‌گیری حسابرسی نفس

مؤمن در اولین ساعت‌های روز و قبل از شروع کار روزانه، ساعتی را برای مشارطه معین کرده در خلوت با خدا با نفس خود، فرد مؤمن شرط می‌کند که چه کارهایی را انجام دهد و از چه کارهایی دوری کند. فرد سعی می‌کند خزینه‌ها را از عمل صالح پر کند و مواظب باشد که به گناه و معصیت آلوده نشود. فرد از تک‌تک اعضا و جوارح تعهد می‌گیرد که خطا نکند عنصر مهم در این مرحله اراده و عزم جدی به انجام کار خوب است. هر چند شروع کار سخت است، اما به مرور کار آسان خواهد شد.

۲. مراقبه

بعد از مرحله پیمان‌گیری نوبت به مرحله عمل پیمان و تداوم آن می‌رسد. باید در طول روز و در تمام حالات مراقب نفس باشد که به تعهدی که بسته‌ایم عمل کنیم. انسان باید در همه حال مواظب و خودبیدار باشد. خدا را همواره حاضر و ناظر بداند و پیمانش را به یاد داشته باشد، که اگر یک لحظه غفلت کند، ممکن است شیطان و نفس اماره در اراده‌اش رخنه کنند و از عمل به تعهدش بازدارند. علی (ع) فرمود: «عاقل کسی است که همواره مشغول جهاد با نفس باشد، در اصلاح آن کوشش نماید، و از هوی‌ها بازش دارد و به این وسیله او را در تملک خویش درآورد. انسان عاقل با اشتغال به نفس از دنیا و آنچه در دنیا می‌باشد بیزار خواهد بود».^۳

۱. غررالحکم، ص ۱۳۱.

۲. آیت‌الله ابراهیم امینی، پیشین، ص ۷۲.

۳. غررالحکم، ص ۲۳۷.

انسان مراقب و خودبیدار، همیشه به یاد خداست و خود را در محضر خداوند متعال می‌داند، هیچ عملی را بدون تأمل و تفکر انجام نمی‌دهد. اگر گناه و معصیتی پیش آمد فوراً به یاد خدا و حساب قیامت می‌افتد و ترک می‌کند. با این پیمان انسان مواظبت می‌کند از فرصت‌ها خوب استفاده کند و برای سعادت دنیا و آخرت تلاش کند، به مقدار توانش در راه رضای خدا کوشش نماید، انسان می‌تواند با مراقبه و اخلاص و قصد قربت همه فعالیت‌های روزانه را در مسیر عبادت و سیر در صعود الی... قرار دهد. حتی کسب و کار، خوردن، آشامیدن و خوابیدن و سایر کارهای مباح را به وسیله اخلاص و نیت الهی می‌توان جزء عبادت قرار داد. اگر کسب و کار به قصد تهیه روزی حلال و خدمت به خلق خدا باشد عبادت است و همچنین خوردن و آشامیدن و استراحت کردن اگر مقدم بر بندگی خدا باشد نیز عبادت محسوب می‌شود.^۱

۳. حسابرسی اعمال

مرحله سوم، حسابرسی اعمال روزانه است. انسان باید ساعتی را برای حساب اعمال روزانه خود تعیین کند و چه بهتر که این ساعت به هنگام خفتن و فراغت از تمام اعمال روزانه باشد، در آن ساعت در گوشه‌ای خلوت می‌اندیشد که در طول روز چه کرده است؟ اگر در آن ساعت به کار خیر و عبادت مشغول بوده خدای را بر این توفیق شکر می‌گوید و تصمیم به ادامه گیرد. اگر مرتکب معصیت و گناه شده نفس را مورد عتاب قرار می‌دهد، حتی او را مجازات می‌کند. آن‌گاه توبه می‌کند و تصمیم می‌گیرد که دیگر مرتکب گناه نشود.

حضرت علی (ع) فرمود: «هر کس که نفس خودش را بر عیب‌ها و گناهان توبیخ کند از یاد گناه اجتناب خواهد کرد».^۲

اگر انسان احساس کرد نفس مقاومت می‌کند باید با نفس اماره به شدت برخورد کند، با دادن صدقه، روزه گرفتن، رد مظالم، سختی به نفس در خوردن و استراحت کردن موجبات تنبیه نفس را فراهم کند.

انسان با کمال دقت و همانند یک شریک، تمام کارهای روزانه را با نفس مورد حساب و مؤاخذه قرار دهد و نتیجه محاسبات را در دفتری ثبت کند. حضرت رسول فرمود:

۱. آیت‌الله ابراهیم امینی، پیشین، ص ۱۳۸.

۲. غررالحکم، ص ۶۹۶.

«زیرک‌ترین مردم کسی است که به حساب نفس خودش برسد و برای بعد از مرگ عمل صالح انجام دهد».^۱

پیامبر اکرم فرمود: «عاقل باید ساعت‌هایش را تقسیم کند: یک ساعت را برای مناجات با خدا اختصاص دهد و یک ساعت را به حساب نفس خودش برسد و یک ساعت را برای تفکر در آنچه به وی عطا کرده تعیین کند».^۲

حضرت علی (ع) فرمود: «همانا که برای ذکر اهلی است که آن را به عوض دنیا گرفته‌اند، پس تجارت و معامله، آنان را از ذکر خدا باز نمی‌دارد. روزگار خویش را با ذکر خدا می‌گذرانند. آیات و روایات تحریم را در گوش غافلین می‌خوانند. به عدالت و قسط فرمان می‌دهند و خود نیز بدان عمل می‌کنند. از منکرات نهی می‌کنند و خود نیز از آن‌ها اجتناب می‌کنند. گویا دنیا را پیموده‌اند و به آخرت رسیده‌اند. پس ماورای دنیا را مشاهده کرده‌اند. گویا از احوال غیبی اهل برزخ آگاه هستند و قیامت و وعده‌هایش بر آنان تحقق یافته است. پس پرده‌های غیبی را بر سر اهل دنیا برمی‌دارند».

در نهایت می‌فرمایید: «سپس آنان را نشانه‌های هدایت و چراغ‌های تاریک خواهی یافت که ملائکه اطراف آنان را احاطه کرده و آرامش الهی بر آنان نازل گردیده، درهای آسمان برایشان گشوده شده و جایگاه کرامت برایشان مهیا گشته است».^۳

در طول تاریخ هم مردان عارف و بزرگ مانند علامه مجلسی، شیخ بهائی، علامه حلی، میرزا جواد تبریزی، آخوند همدانی، قاضی، علامه طباطبایی، حضرت امام خمینی، آیت‌ا... بهجت و فقها و مراجعی بزرگ که حقیقتاً مصداق کامل این حدیث شریف هستند.

انسان با خدانشناسی و تقوی می‌تواند به مرحله خودکنترلی برسد، آن وقت با اتکا به ایمان و شناخت عمیق الهی و با تدبیر و روشن ضمیری و با مشارکت همه برادران دینی می‌تواند سازمانی همدل، یک تیم کار هماهنگ و با انگیزه سازمان داده و اهداف متعالی سازمان را محقق کند.

۱. اصول کافی، ص ۴۵۳.

۲. بحارالانوار، ص ۶۹.

۳. نهج‌البلاغه، خطبه ۲۲۲، ص ۲۵۶.

آثار و علائم خودکنترلی

۱. مقید به اطاعت از خدا: وقتی کسی خودکنترل شد، در حقیقت باطن ذات جمال احدیت را مشاهده می‌کند و خودش را در حضور خدا می‌داند. بدون شک و صددرصد خود را تسلیم او دانسته و اوامر و دستورات او را رعایت می‌کند. واجبات را انجام و از محرّمات دوری کرده و تلاش می‌کند که طوری در زندگی مش کند که رضایت دوست را به دست آورد. این انسان در مقام مدیر به اهداف بلند و الهی فکر می‌کند و خود را برای رسیدن به هدف مقدس وقف می‌کند. چنین انسانی دارای روح بلندی است با سعه‌صدر و صبر و تدبیر امور را دنبال می‌کند، با افراد زیردست مهربان و نسبت به مردم دلسوزی ویژه دارد.

۲. خضوع و فروتنی: کسی که قدرت و عظمت خداوند را شناخت قهراً در برابر او خاضع شده و از ضعف و قصور خویش همواره شرمنده است.

این خضوع و فروتنی در مقابل خدا باعث می‌شود در مقابل مردم به‌ویژه مستضعفان تواضع و فروتنی داشته و در مقابل ظلم و ستم با قدرت ایستادگی کند، از این‌رو این فرد عدالت‌خواه است و به دنبال حل مشکلات و موضوعات مردم است، با عشق به مردم، میان اهداف سازمان و افراد تناسب منطقی ایجاد کرده و با تشکیل تیم‌های خودکنترل و با انگیزه اهداف را دنبال می‌کند، به طوری که فرد، سازمان، جامعه و همه ذی‌نفعان در حد حقوق خود منافع رسیدن به اهداف را دارند.

۳. عشق به عبادت: یکی از آثار خودکنترلی، علاقه شدید به عبادت و لذت بردن از آن است، زیرا کسی که به بارگاه عظمت و قدرت پروردگار جهان باز یافته و خود را در محضر او مشاهده می‌کند، لذت مناجات و راز و نیاز را بر هر لذت دیگری ترجیح خواهد داد. کسانی که از طعم لذت‌های معنوی محرومند به لذت‌های مجازی و زودگذر دل می‌بندند، اما کسانی که طعم لذت‌های حقیقی و عبادت و مناجات با پروردگار را چشیده‌اند، اوقات خوش و زیبای خود را با هیچ لذتی معامله نمی‌کنند.

۴. آرامش و اطمینان: قرآن کریم می‌فرماید: «هر کس از ذکر ما اعراض کرد زندگی سختی خواهد داشت»^۱. گرفتاری‌های دنیا سه نوع است. نوع اول انواع بیماری‌ها، مرگ عزیزان، ظلم‌ها و تندی‌ها، ناسازگاری‌های طبیعی و اجتماعی. نوع دوم ناراحتی و حسرت در اثر از دست دادن یا فقدان امتیازهای دنیوی. نوع سوم ترس از دست دادن امکانات و اموال در اثر

۱. سوره طه، آیه ۱۲۴.

حوادث گوناگون طبیعی.

ریشه همه این گرفتاری‌ها «حب دنیا» است، بندگان خاص خدا که به سرچشمه کمال و خیر رسیده‌اند، با ذکر و انس با حضرت حق قلبی آرام دارند و با صبر و استقامت گرفتاری‌ها را تحمل می‌کنند، این دوستان حق، دل به دنیا نبسته و از دغدغه بسیاری از امور دنیوی آزادند.

امام حسین (ع) در دعای عرفه می‌فرماید: «خدایا تو هستی که بیگانگان را از قلوب اولیائت بیرون راندی تا این‌که جز تو کسی را دوست ندارند و به غیر تو پناه نبرند. هنگام هجوم حوادث ترسناک، تو مونس آن‌ها هستی و اگر شناخت و معرفتی برایشان حاصل شده، در اثر هدایت تو باشد».

«کسی که تو را نیابد چه چیزی را خواهد یافت؟ و کسی که تو را داشته باشد چه چیزی را فاقد خواهد بود؟»

به هر حال هر چه ایمان انسان قوی و حالت خودکنترل در او بیش‌تر باشد آرامش و اطمینان خاطر بیش‌تری خواهد داشت.

۵. توجه خدا به بنده: هنگامی که بنده، خدا را یاد می‌کند و به خاطر او رفتار خود را کنترل می‌کند مورد لطف و عنایت او قرار می‌گیرد. خداوند مهربان است و دوست دارد بندگان را هدایت شوند، خداوند از عبادت و اخلاص بندگان نزد ملائکه فخر می‌کند.

خداوند در قرآن کریم فرمود: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم».^۱

حضرت صادق (ع) فرمود: «خداوند متعال فرمود، ای پسر آدم مرا در نفس خودت یاد کن تا تو را در نفس خودم یاد کنم. ای پسر آدم! در خلوت مرا یاد کن تا در خلوت تو را یاد کنم. ای پسر آدم! مرا در اجتماع یاد کن تا تو را در اجتماعی بهتر از اجتماع خودت یاد کنم» و فرمود: «هر بنده‌ای که خدا را در بین مردم یاد کند خدا او را در بین ملائکه یاد می‌کند».^۲

توجه خدا به بنده‌اش یک امر اعتباری و تشریفاتی نیست؛ بلکه واقعیت دارد به یکی از دو وجه می‌توان آن را توجیه کرد.^۳

وجه اول - هنگامی که بنده خدا را یاد می‌کند و بدین وسیله آماده قبول فیض

۱. سوره بقره، آیه ۱۵۲.

۲. وسایل الشیعه، ج ۴، ص ۱۱۸۵.

۳. آیت‌الله ابراهیم امینی، پیشین، ص ۱۸۱.

می‌شود، خداوند متعال نیز به او کمال آفاقه می‌کند و ترفیع درجه می‌دهد. وجه دوم - هنگامی که بنده ذاکر، خدا را یاد می‌کند و به سوی او حرکت می‌کند، مورد توجه و لطف خدا قرار می‌گیرد و او را به مرتبه عالی‌تر جذب و جلب می‌کند و اداره قلبش را برعهده می‌گیرد.

از سوی دیگر خودکنترلی صحبت خدا را نسبت به بنده جلب می‌کند. خدا در قرآن کریم فرمود: «به مردم بگو، اگر واقعاً خدا را دوست می‌دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست بدارد».^۱

خداوند نسبت به بنده مؤمن خود لطف و عنایت بیش‌تری انجام می‌دهد و برای عبادت با توجه و اخلاص، توفیق بیش‌تری برایش فراهم می‌کند و بدین وسیله او را به سوی مدارج قرب و کمال جذب و جلب می‌کند.

محبت خداوند به انسان باعث محبوبیت او نزد خلق می‌شود، نمونه بارز این اثر، حضرت امام خمینی (ره) بودند، چون بنده خالص خدا بود و در اوج خودکنترلی، مورد لطف خدا بود و با توجه به تلاش‌های رژیم ستم‌شاهی و استکبار جهانی در قلوب مردم جا داشت و مردم عاشقانه او را دوست داشته و پیروی می‌کردند.

۶. داشتن روحیه جهاد و تلاش: افراد خودکنترل تمام همت و تلاش خود را در رضای خدا انجام می‌دهند، جهاد در راه خدا که به‌منظور توسعه و گسترش اسلام و اعلای کلمه توحید، دفاع از کیان اسلام، حاکمیت احکام الهی، مبارزه با ظلم و ستم، حمایت از محرومین و مستضعفین انجام بگیرید، یکی از عبادات بزرگ و موجب تکامل نفس و تقرب به خدا خواهد شد.

خداوند کریم درباره مجاهدین در قرآن فرمود:

«الذین آمنوا و هاجروا و جاهدوا فی سبیل الله باموالهم و انفسهم اعظم درجه عندالله و اولئک هم الفائزون و بشرهم ربهم برحمه عنه و رضوان و جنات لهم فیها نعیم مفیم. خالدین فیها ابدأ و ان الله عنده اجر عظیم».^۲

«کسانی که ایمان آورده‌اند و از وطن هجرت نمودند و با مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند، نزد خدا مقام بلندی دارند و همین‌ها رستگارانند. پروردگارشان، به رحمت و رضوان و بهشت‌هایی که در آن نعمت‌های دائم وجود دارد بشارت می‌دهد. در بهشت

۱. سوره آل عمران، آیه ۳۱.

۲. سوره توبه، آیه ۲۰.

جاویدان هستند، به درستی که نزد خدا یورش بزرگی هست.»

انسان مجاهد تأمین منافع شخص خودش و وابستگانش نیست، او کوتاه‌نظر و خودخواه نیست، بلکه خداجو است.

هدف اصلی مجاهد، اقامه عدل و احکام الهی است و در این راه با تمام وجود تلاش می‌کند، حتی جان خود را در این راه نثار می‌کند.

روحیه انسانی مجاهد ایثار و فداکاری است، عبادت و مجاهد فی سبیل!... ما تحمل رنج‌ها، دردها، سختی‌ها و حتی گلوله‌ها با ایثار وجود خود به خدا تقرب می‌جوید.

بر این اساس هیچ مکتب مدیریتی، نمی‌تواند انسانی تربیت کند که با تمام وجود به اهداف معتقد باشد و برای رسیدن به اهداف انواع مجاهدت را انجام دهد. صرفاً اسلام است که چنین قدرتی دارد، فرد مجاهد، انسان خودکنترلی است که با تمام توان تلاش می‌کند اهداف مقدس سازمان که غیرشخصی است را محقق کند، در این راه از هر نفع شخصی می‌گذرد و تا مرحله ایثار و شهادت تلاش می‌کند.

میدان کار برای انسان مجاهد خودکنترل میدان صفا و معنویت، نورانیت شور و حرکت و عشق و ایثار است. میدان مسابقه در فدا شدن در راه محبوب و زنده شدن به حیات جاودانه است.

در همین رابطه مجاهد با فرهنگ شهادت عجین شده و آرزوی شهادت در راه خدا را بزرگ‌ترین هدف می‌داند. زیرا در فرهنگ قرآنی شهادت بالاترین ارزش‌هاست.

پیامبر اکرم فرمود: «بالاتر از هر خوبی، خوبی دیگری وجود دارد تا این که انسان در راه خدا کشته شود که بالاتر از آن چیزی نیست»^۱.

همچنین فرمود:

«شهید در جمال خدا نظر می‌کند و در این امر آرامشی است برای هر پیامبر و شهیدی»^۲.

قرآن کریم می‌فرماید:

«گمان میرید کسانی که در راه خدا کشته می‌شوند مرده‌اند، بلکه زنده‌اند و نزد

۱. وسایل الشیعه، ج ۶، ص ۱۰.

۲. همان.

پروردگارشان روزی می گیرند»^۱.

۷. احسان و خدمت به مردم: انسان خودکنترل نه تنها به خودسازی و عبادت شخصی اهمیت می دهد؛ بلکه انجام مسئولیت های اجتماعی و احسان و نیکوکاری و خدمت به بندگان خدا نیز به قصد قربت به عنوان بهترین عبادت ها تلقی می کند و در این راه نهایت تلاش را می کند. از نظر اسلام خدمت به مردم می تواند وسیله خودسازی و کمال پرورش نفس و تقرب به خدا شود. تعبد و تقوی، مستلزم انزوا و گوشه گیری نیست، بلکه با پذیرش مسئولیت های اجتماعی و در متن اجتماع نیز امکان پذیر است. تعاون در امور خیر و احسان، نیکوکاری و سعی در رفع حوائج مؤمنین و خشنود کردن آن ها، دفاع از محرومین و مستضعفین، اهتمام به امور مسلمین، رفع گرفتاری و حل مشکلات آن ها و کمک به بندگان خدا، از دیدگاه اسلام جزء عبادت های بزرگ محسوب می شوند که ثواب آن ها از ده ها حج و عمره مقبول هم زیادتر است.

امام صادق (ع) فرمود: «خداوند متعال فرموده اند: بندگان عیال من هستند، پس محبوب ترین مردم نزد من کسانی هستند که نسبت به آن ها مهربان تر باشد و در رفع حوائج آن ها بیش تر کوشش کند»^۲.

رسول خدا (ص) فرمود: «مردم عیال خدا هستند، پس محبوب ترین مردم نزد خدا کسی است که نفعش به عیال خدا برسد و دل خانواده ای را شادمان گرداند»^۳.

حضرت باقر (ع) فرمود: «لبخند مؤمن در صورت برادر مؤمنش حسنه محسوب می شود و رفع گرفتاری او نیز حسنه است. خداوند به چیزی عبادت نشده که نزد او محبوب تر از خشنود کردن مؤمن باشد»^۴.

حضرت صادق فرمود: «برآوردن حاجت مؤمن نزد خدا محبوب تر از بیست حج است که در هر حجی صد هزار حج کند»^۵.
همچنین فرمود: «سعی کردن در برآوردن حاجت مسلمان بهتر است از هفتاد مرتبه به

۱. سوره آل عمران، آیه ۶۹.

۲. اصول کافی، ج ۲، ص ۱۸۸.

۳. همان، ص ۱۶۴.

۴. همان، ص ۱۹۹.

۵. همان، ص ۱۹۳.

طواف کردن دور خانه کعبه».

اسلام دین زندگی فردی و اجتماعی است، بر همین اساس خدمت به مردم از مصادیق بارز عبادت است، افراد خودکنترل، خدمت به مردم را عبادت دانسته و نهایت سعی را برای کسب رضایت و خشنودی آنها می‌کنند.

در دنیای امروز مدیران تلاش می‌کنند تا به کارکنان القا کنند، مشتری‌محوری و توجه به ارباب رجوع از معیارهای مهم ارزیابی عملکرد است؛ اما در منطق مدیریت اسلامی، فرد به‌طور خودکنترل خدمت به مردم و کسب رضایت آنها را عبادت می‌داند. به هر حال از علائم خودکنترلی، توجه به مردم و تلاش برای رفع گرفتاری‌های آنها و کسب رضایت آنهاست.

نتیجه‌گیری

در نظام مدیریت اسلامی خداوند بالاترین ناظر بر رفتار انسانی است. در عین حال با سازوکارهای بیرونی و درونی در بستر اختیار و آزادی انسان نظام نظارتی را طراحی کرده است. در این نظام انسان به برکت لطف الهی مسئول عملکرد خود است. اصل بر این است که با مباحث اعتقادی و آموزشی و جذب افراد معتقد بستر خودکنترلی در سازمان فراهم شود. در عین حال مدیر با استفاده از ابزار مستقیم و غیرمستقیم بر کار فرد نظارت می‌کند، هر یک از افراد به حکم اصل امر به معروف و نهی از منکر موظفند بر رفتار همدیگر نظارت کنند. پشتوانه نظارت در فرهنگ اسلامی، اعتقادات و باورهای فرد است که دنیا را مزرعه آخرت می‌دانند. این مفهومی است که در دنیای امروز به‌عنوان Self-Many mend پذیرفته شده است؛ اما به‌علت محدودیت نگاه مادی ضمانت اجرایی ندارد، انشاء... در آینده نزدیک بشر در حوزه مدیریت به این خواهد رسید بدون نگاه معنوی و مذهبی خود، مدیریت امکان‌پذیر نیست.

منابع و مأخذ

۱. احمدی، علی، کاظمی، مولایی، «نقش ارزش اسلامی در فرایند نظارت و کنترل، تولید دانش»، ۱۳۸۳.
۲. آمدی، «غررالحکم و دارالحکم»، ترجمه آقاجمال خوانساری، چاپ چهارم، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳. ش.
۳. آیت‌الله امینی، ابراهیم، «خودسازی و تزکیه نفس»، انتشارات دفتر فرهنگ اسلامی، سال ۱۳۷۰.
۴. تقوی‌دامغانی، سیدرضا، «نگرشی بر مدیریت اسلامی»، چاپ دهم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۷.
۵. جاسبی، عبدالله، «درآمدی بر مدیریت اسلامی»، دانشگاه آزاد اسلامی، ۱۳۷۸.
۶. حر عاملی، محمدبن حسن، وسایل‌الشیعه، ج ۴، تهران: کتابفروشی اسلامیة ۱۴۰۳. ق.
۷. رضائیان، علی، «اصول مدیریت»، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۶۴.
۸. سازمان مدیریت دولتی، نگرشی بر مدیریت اسلامی، مجموعه مقالات، تهران، ۱۳۷۸.
۹. عسگریان، مصطفی، «مدیریت اسلامی»، چاپ اول، تهران، دانشگاه تربیت معلم، استادان جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۷.
۱۰. علامه مجلسی، «بحارالانوار»، ج ۷، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، سال ۱۳۶۲.
۱۱. کلینی، «اصول کافی»، ج ۲، سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه، سال ۱۳۷۹.
۱۲. محمدی ری‌شهری، محمد، «میزان‌الحکمة»، نشر دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، قم، ۱۳۶۲.
۱۳. مصباح، محمدنقی، «پیش‌نیازهای مدیریت اسلامی»، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، چاپ اول، ۱۳۷۷.
۱۴. نقی پورفر، ولی‌الله، «اصول مدیریت اسلامی و الگوهای آن»، چاپ چهارم، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی، ۱۳۷۶.
۱۵. «تهج‌البلاغه»، ترجمه محمد دشتی.